

طراحی مدل توسعه هوشمند

سیدمحمد محمودی^۱، حسن دانایی فرد^{۲*}، علی نقی امیری^۱، غلامرضا جندقی^۳، اعظم بابکی راد^۴

۱. دانشیار، پردیس فارابی دانشگاه تهران، ایران

۲. دانشیار، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. استاد، پردیس فارابی دانشگاه تهران، ایران

۴. دانشجوی دکتری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، مدیر پژوهشی دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱)

چکیده

یکی از چالش‌های فراروی نظام‌های سیاسی اجرای توسعه ملی است. مدل‌های مختلفی برای ایجاد توسعه ملی پیشنهاد شده است. برخی کشورها بر مدل‌های غیربومی وارداتی تکیه می‌کنند، ولی برخی دیگر بر مدل‌های بومی خود متکی‌اند. هدف این پژوهش طراحی مدل توسعه هوشمند در بستر ملی ایران است. بدین منظور روش نظریه‌پردازی منتخب که مراحل بسط مفهومی و تجربی نظریه را دارد، به کار گرفته شده است. در این پژوهش مدل توسعه هوشمند نظریه‌پردازی، و بر اساس نظرهای خبرگان و کارگزاران تأیید پژوهشی شده است. مدل حاصل متشکل از سه بعد اصلی نرم، سخت و وت است. نتیجه طراحی مدلی است که در مقایسه با الگوی پیشرفت در سطح ابزاری آن (مدیریت ملی) قابل تقسیم‌بندی است و جهت‌گیری به توسعه را در ابعاد سخت، نرم و وت برای نیل به کیفیت زندگی تبیین می‌کند.

کلیدواژگان

ابعاد سخت، پارادایم توسعه، مدل توسعه هوشمند، مکاتب توسعه، نرم و وت.

مقدمه

از دهه ۱۹۴۰ (خانی، ۱۳۸۵، ص ۱۳) به بعد، توسعه مشغله ذهنی و عملی عده زیادی از محققان بوده است. حتی سازمان ملل دهه هفتاد (۱۹۷۹ - ۱۹۷۰) را «دهه توسعه» نام گذاری و برنامه‌هایی ویژه اجرا کرده است (منصوری، ۱۳۷۴، ص ۴۳).

با مرور اجمالی نتایج کار این عده از ابتدا تا کنون، این آگاهی حاصل می‌شود که همه این تلاش‌ها فقط برای تعدادی از کشورها ثمربخش بوده است (کشورهای توسعه‌یافته)، اما برای کشورهای دیگر که تعدادشان کم نیست، مفید و اثربخش نبوده است (کشورهای در حال توسعه).

بیان مسئله

رویکرد تجربی و انتقادی درون‌زا به توسعه نشان داده است نه تنها با شرایط و ساختار داخلی و مبانی ارزشی کشورهای در حال توسعه متناسب نبوده، بلکه برای حل مشکل آن‌ها کارساز نبوده است و به نحوی جنبه کنترل و مهار جریان دگرگونی و حتی تحول‌های خودجوش را در این کشورها در راستای تأمین منافع دولت‌های غربی دنبال کرده است (همایش اسلام و توسعه، ۱۳۸۲، ص ۷). بنا بر گزارش‌های سازمان ملل و مراکز تحقیقاتی، وضعیت عمومی کشورهای توسعه‌نیافته در مقایسه با چهل سال قبل بهبود نیافته و فاصله آن‌ها با کشورهای توسعه‌یافته به مراتب بیشتر شده است (منصوری، ۱۳۷۴، ص ۱۵۰)، به طوری که شکاف میان کشورهای فقیر و غنی (شمال و جنوب) گسترش یافته و طی ده سال گذشته از ۳۰ برابر به ۶۰ برابر رسیده است (باقریان، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵). مقایسه و تطبیق این آمار نشان می‌دهد در کشور عزیزمان در مجموعه برنامه‌ها، مدل‌ها، استراتژی‌ها و سازوکارهای تحقق توسعه ناکارآمدی وجود دارد و این مسئله نشان می‌دهد که باید تأمل جدی در این زمینه صورت پذیرد. عمده این مسائل مربوط به: ۱. رویکرد نظری تئوری‌های توسعه است که شامل الف) تک‌بعدی‌بودن^۱ و مبهم‌بودن این تئوری‌ها؛ ب) تفاوت مبانی و

1. One-dimensional

سازوکارهای مدل‌های موجود توسعه با شرایط کشورمان است؛ ۲. شواهد و مستندات مطالعات تجربی مانند گزارش توسعه جهانی، گزارش توسعه انسانی و برنامه‌های توسعه است (2010 Human Development Report and Bank World).

سؤال‌های تحقیق

سؤال‌های تحقیق به شرح زیر است:

۱. پیش‌فرض‌های مدل کدامند؟
۲. ساختار مدل توسعه هوشمند چیست؟
- ۱.۲. مدل مناسب برای تبیین رابطه این متغیرها چگونه است؟
- ۲.۲. آیا مدل یادشده در فضای توسعه‌ای کشور اعتبار دارد؟
۳. عناصر راهبردی مدل توسعه هوشمند چیست؟
- ۱.۳. متغیرهای محوری راهبردها در بخش قابلیت‌ها و کیفیت‌ها کدامند؟
- ۲.۳. آیا راهبردهای یادشده در فضای توسعه‌ای کشور اعتبار دارد؟

مبانی نظری (پیشینه تحقیق)

پس از بررسی نسبتاً جامع نظریه‌ها، مدل‌ها و الگوها در یک طبقه‌بندی جامع در قالب پارادایم توسعه و فراتوسعه بیان شده است که شامل دیدگاه جامعه‌شناسان کلاسیک و گذار تاریخی جوامع، نوسازی، الگوی ساختارگرایی، وابستگی، تأمین نیازهای اساسی، نهادگرایی، نئولیبرالیسم، پارادایم پایداری، توسعه انسانی، توسعه اجتماعی، و فراتوسعه شامل پست‌مدرن، الهیات رهایی‌بخش (مستقلین شریعت‌گرا و معنویت‌گرا) و رادیکال‌ها است. پارادایم پیشرفت که توسط مستقلین شریعت‌گرا مطرح شده است، به عنوان رقیب تمدنی غرب در مرحله تکوین مبانی، مدل و الگوهای خود کاملاً ضد توسعه و مدرنیته غربی طراحی و تبیین شده است.

طبقه‌بندی مطرح‌شده در این پژوهش به وسیله معیارهای سطح پیشرفت، حوزه عملکرد، کانون توجه، متغیر کانونی، نقش بازیگران، مرجع توسعه، فرایند توسعه، شیوه عمل، هدف، پارادایم

توسعه، واحد تحلیل و سطح تحلیل ایجاد شده است که برای نمونه این طبقه‌بندی را در جدول ۱ برای مکتب نیازهای اساسی می‌توان دید. این مرور و طبقه‌بندی متون نظری توسعه و فراتوسعه زمینه‌های لازم برای نظریه‌پردازی را فراهم کرده است.

جدول ۱. نمونه‌ای از طبقه‌بندی متون نظری توسعه و فراتوسعه (مکتب نیازهای اساسی)

سطح تحلیل	سطح ملی
واحد تحلیل	فرد
پارادایم توسعه	درون‌زا
فرایند توسعه	پیشرفت یکنواخت و ملموس به سمت حذف فقر مطلق
هدف	رشد پایدار، فراهم کردن فرصت‌های برابر
شیوه عمل	بالا-پایین
مرجع توسعه	خودانگیزه و غرب‌محور
نقش بازیگران	دولت نقش اقتصادی داشته باشد
متغیر کانونی	اولویت بندی نیازهای فردی
کانون توجه	انسانی
حوزه عملکرد	انسانی و اقتصادی
سطح پیشرفت	الگو
سال	۱۹۷۰
نظریه‌دهنده	سیگرو سیرز
زیرشاخه‌ها	تأمین نیازهای اساسی
مکاتب	نیازهای پایه
رابطه با توسعه	تقد و تبیین
پارادایم زیر بنایی	مدرن

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف بنیادی است و معطوف به بیان نظریه است و روش نظریه‌پردازی حسن دانایی فرد (۱۳۸۸) به کار گرفته شده است که شامل بسط مفهومی^۱ و تبیین تجربی^۲ مدل است. مراحل تدوین نظریه-روش نظریه‌پردازی- به زبانی ساده، ولی فنی شامل مراحل زیر است:

1. Conceptual Development
2. Empirical Explanations

جدول ۲. مراحل نظریه‌پردازی

شناخت موضوع بحث برانگیز یا تشخیص نابهنجاری تخیل نظام‌مند علمی (تفکر خطا و آزمایش) ظهور غیرمنتظره نظریه خام داوری اولیه نظریه خام تدوین نظریه غنی مرحله آزمون نظریه (به‌کارگیری) بهبود نظریه در صورت بروز نابهنجاری	بسط مفهومی تبیین تجربی
--	---

منبع: دانایی‌فرد، ۱۳۸۷، ص ۸۰۶-۷۹۸

این پژوهش از حیث روش تحقیق ترکیبی از نوع متوالی اکتشافی است که در آن ابتدا داده‌های کیفی گردآوری و تحلیل می‌شود، سپس، داده‌های کمی گردآوری و تحلیل می‌شود. پس از آن، با ترکیب، یکپارچه‌سازی و مقایسه دو مجموعه داده، آن‌ها همگرا می‌شوند. یکپارچه‌سازی وقتی رخ می‌دهد که پژوهشگر ابتدا داده‌های کیفی را برای اجرا، طبقه‌بندی یا کدگذاری تحلیل می‌کند؛ سپس، این کدها را به عدد تبدیل و با نوعی برنامه آماری متناسب تحلیل می‌کند و نتایج را به دست می‌آورد (دانایی‌فرد، ۱۳۸۶، ص ۳۷).

تعریف توسعه هوشمند

توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن است (Esteva, 1992; Oxrord dictionary, 2002)، اما در تعریف اصطلاحی توسعه، باید به نکته‌هایی توجه کرد: توسعه ۱. مقوله‌ای ارزشی؛ و ۲. چندبعدی و پیچیده است؛ و ۳. با مفهوم بهبود^۱ ارتباط نزدیکی دارد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴، ص ۸).

تعریف ما در این تحقیق از توسعه هوشمند عبارت است از فرایند تولید رفتار یا فعالیت‌های شبکه‌ای راهبر توسعه که از طریق توجه به دسته‌بندی ابعاد سخت، نرم و وت توسعه به ارتقای

مقیاس بهینه شبکه حاصل منجر می‌شود و نتیجه آن کیفیت زندگی است و مدل توسعه هوشمند در قالب ساختار و عناصر راهبردی توسعه، منظور را توصیف، بازنمایی و تبیین می‌کند.

در اینجا شایان ذکر است هوشمندی در مدیریت سیستم‌های اجتماعی در زمینه‌ها و سطوح مختلف دیده شده است؛ مانند استراتژی‌های دولت، مدیریت و مدل‌های توسعه، و منظور از این هوشمندی به‌طور بارز در مدیریت سیستم‌های اجتماعی، توجه به ابعاد سخت و نرم است، به‌ویژه در علوم سیاسی و راهبردی و در زمینه امنیت ملی این طور مطرح شده است (Kilisberg, 2001, p.211). مصداق دیگر آن در علوم سیاسی و مدیریت دولتی است، یعنی توجه به مشارکت مردم و همه بازیگران عرصه اجتماعی. پس در توسعه هوشمند که تأکید بر هوشمندی با رویکرد مدیریت سیستم‌های اجتماعی دارد، توجه به همه ابعاد توسعه (سخت، نرم و وت) در جهت کیفیت زندگی است. در نتیجه توجه به این ابعاد هوشمندی حاصل می‌شود، یعنی دچار غفلت راهبردی در حوزه‌های سخت، نرم و وت نمی‌شویم. کشورهای مختلف با بی‌توجهی به حوزه‌های مختلف توسعه دچار غفلت شده‌اند؛ مانند موضوع «تینک تنک»^۱ در حوزه رقابت بین آمریکا و شوروی سابق که ایالات متحده دچار غفلت راهبردی در حوزه فناوری شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر فنون کیفی و کمی به کار گرفته شده است که در ادامه، شرح داده می‌شود.

راهبرد کیفی^۲

این راهبرد متناظر با سؤال‌های ۱، ۲-۱ و ۳-۱ است که شامل مراحل اول و دوم و مربوط به بسط مفهومی در روش نظریه‌پردازی است.

جدول ۳ پیش‌فرض‌ها، زمینه، فرایند و نتایج مدل توسعه هوشمند را نشان می‌دهد.

-
1. Tink Tank
 2. Quality Strategy

جدول ۳. پیش فرض‌ها، زمینه، فرایند و نتایج در مدل توسعه هوشمند

مدل توسعه هوشمند					
پیش فرض‌های مدل	زمینه	فرایند	نتایج		
مدل دارای رویکرد معرفتی حیات معقول، رویکرد شبکه‌ای، قابلیت و راهبردی در سطح ملی به توسعه می‌باشد.	راهبر توسعه کلیت نظام است که برای حرکت جامعه از وضع موجود به سمت وضع مطلوب باید به حوزه‌های مختلفی عملکرد (ابعاد توسعه) توجه کند تا عدالت شبکه‌ای را هم در ابعاد مختلف توسعه فراهم کند.	تعامل ابعاد توسعه هوشمند شامل بعد سخت، نرم و است که بعد سخت شامل قابلیت‌های اقتصادی و طبیعی؛ بعد نرم شامل قابلیت اجتماعی، فرهنگی، انسانی و اطلاعاتی؛ و بعد وت شامل قابلیت بخش دولتی، جامعه مدنی و بخش خصوصی است.	کیفیت زندگی	تعامل ابعاد توسعه	تعامل ابعاد توسعه
		هوشمند شامل بعد سخت، نرم و وت است که بعد سخت شامل قابلیت‌های اقتصادی و طبیعی؛ بعد نرم شامل قابلیت اجتماعی، فرهنگی، انسانی و اطلاعاتی؛ و بعد وت شامل قابلیت بخش دولتی، جامعه مدنی و بخش خصوصی است.	نتیجه مدل از شکل‌گیری مقیاس بهینه کیفیت‌های تحقق راهبر توسعه به مقیاس بهینه اقتصادی، طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی در سطح ملی است.	تعامل ابعاد توسعه	تعامل ابعاد توسعه

پیش فرض‌ها، ساختار و عناصر راهبردی مدل در جدول ۳ همراه با پاره‌ای از توضیحات بیان شده است.

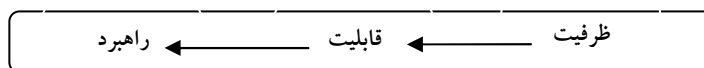
تعریف‌های نظری و عملیاتی ابعاد توسعه هوشمند

جدول ۴. تعریف‌های نظری و عملیاتی ابعاد توسعه

تعریف نظری	تعریف عملیاتی	بعد
تمامی مؤلفه‌هایی که در ارتباط با اهداف و ارزش‌ها هستند و زیرساخت‌های فکری، باورها و الگوهای رفتاری در سطح ملی را شکل می‌دهند، جزء ابعاد نرم می‌باشند.	بعد نرم شامل قابلیت‌های فرهنگی، اجتماعی و انسانی است.	نرم
همه مؤلفه‌هایی که جنبه‌های ملموس و عینی توسعه در سطح ملی را شکل می‌دهند، جزء ابعاد سخت می‌باشند.	بعد سخت شامل قابلیت‌های اقتصادی و طبیعی است.	سخت
دانش و کنشی است که با بازیگران توسعه در سطح ملی همراه است و به مهارت‌های بازیگران توسعه توجه دارد (مهارت‌افزار توسعه)	بعد وت شامل قابلیت‌های دولتی، خصوصی و جامعه مدنی است.	وت

قابلیت‌های مدل

در تعریف نظری قابلیت‌ها، بخش‌های مورد تأکید ظرفیت در جهت کیفیت زندگی است. در تعریف عملیاتی ما قابلیت‌ها را به عنوان «ویژگی‌های اساسی منجر به اثربخشی عملکرد برتر» در جهت تحقق کیفیت‌ها می‌دانیم یا «تمرکز بر عملکرد انجام تغییر» یا «مجموعه راهبردهای ویژه» تعریف می‌کنیم که این قابلیت‌ها در ابعاد نرم شامل (قابلیت فرهنگی - ارزشی، اجتماعی، اطلاعاتی و انسانی) و در ابعاد سخت شامل (قابلیت اقتصادی و طبیعی) و در ابعاد وت شامل (دولتی، خصوصی و مدنی) است.



شکل ۱. تبدیل ظرفیت به راهبرد

تحلیل مبتنی بر روابط معناساختی

این مرحله متناظر با سؤال ۳-۱ تحقیق است. اطلاعات حاصل از این مرحله، پایه و اساس مراحل بعدی قرار می‌گیرد. تحلیل مبتنی بر روابط معناساختی دربردارنده مفهوم پیچیده و تکامل‌یافته دسته‌بندی (طبقه‌بندی)^۱ است (لطیفی، ۱۳۸۸، ص ۷۱-۷۰).

در این پژوهش ترکیبی از راهبردهای نوع عملیاتی که ترکیبی از نوع تجربی و مفهومی گونه‌شناسی است، به کار گرفته شده است.

مراحل شناسایی و احصای متغیرهای محوری^۲

به منظور احصای متغیرهای محوری، رویکردهای قبلی در هر یک از بخش‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، انسانی، طبیعی، دولتی، خصوصی و مدنی بررسی شده است و در جدول‌های

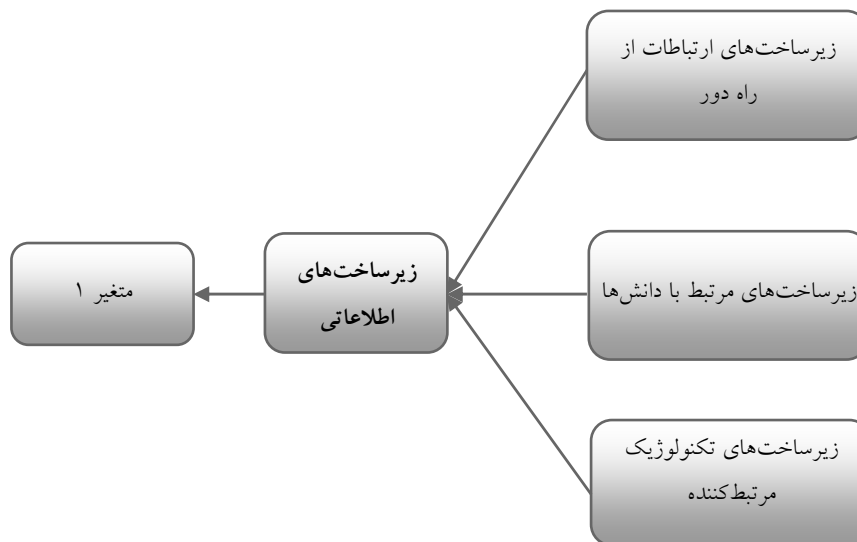
1. Classification
2. Core Variability

ماتریسی به شناسایی و احصا از اسناد و متون قبلی اقدام شده است که به‌طور عمده، به عنوان رویکردهای سرمایه‌ای، توسعه‌ای و قابلیت در بخش‌های مختلف، توسط صاحب‌نظران نام برده و بررسی شده است. کلمات و عبارات‌های مشابه در یک گروه قرار داده شده است (کدگذاری اولیه)، پس از آن، گروه‌های مشابه به‌طور مرتب با یکدیگر مقایسه شدند و مفاهیم همپوشان در کنار یکدیگر قرار گرفتند (احصای مضامین) (جدول ۵).

جدول ۵. مفاهیم استخراج‌شده مشابه (احصای مضامین)

زیرساخت‌های ارتباطات از راه دور	
ضریب نفوذ تلفن همراه	زیرساخت‌های فنی و ارتباطی
تجهیزات اطلاعاتی	توسعه ابزارهای انتقال اطلاعات
اشاعه دانش و صنایع ارتباطات	ضریب نفوذ اینترنت
سرانه رایانه شخصی	ضریب نفوذ روزنامه
میزبانان اینترنت	ضریب نفوذ تلفن ثابت
تجهیزات پایانه داده	
زیرساخت‌های مرتبط با دانش‌ها	
تحقیق و صنایع همپایه	هزینه تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی
تسهیلات پشتیبانی تحقیق در صنایع اطلاعات	هزینه تحقیق و توسعه
صنایع تحقیق و مدیریت ریسک	هزینه کم نظامی
درصد دانش‌آموزان در بخش اطلاعاتی	تحقیق و توسعه
زیرساخت‌های تکنولوژیک مرتبط‌کننده اطلاعات	
سهم نرم‌افزار- ارزش سخت نرم‌افزار رایانه نسبت به تعداد شناختگران	

در مرحله سوم برای مضامین مشابه مفهوم‌سازی شده (بسط مفهومی) و متغیرهای محوری برای راهبردها و کیفیت هر قابلیت به دست آمده است.



شکل ۲. نمودار بسط مفهومی برای مضامین مشابه

روش گردآوری داده‌ها

در پژوهش حاضر جهت گردآوری داده‌ها ترکیب درون‌روشی به‌کار گرفته شده است؛ بدین صورت که به‌طور متوالی، ابزارهایی مانند اسناد و مدارک و پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها به‌کار گرفته شده است.

احصای متغیرهای محوری راهبردها و کیفیت‌ها برای پرسشنامه

مجموعه عوامل شناسایی شده از طریق مرحله کیفی در جدول‌های ۶ و ۷ خلاصه شده است. این عوامل مبنای طراحی پرسشنامه اولیه (سنجش روایی) قرار گرفت که با توجه به نظر خبرگان و آزمون روایی جهت بررسی روایی ابزار تحقیق آزمون شد. پیش‌فرض‌های مدل با اضافه‌شدن حیات معقول به چهار پیش‌فرض ارتقا یافت و قابلیت فرهنگی به قابلیت فرهنگی - ارزشی تغییر کرد و متغیر محوری استعداد زیستی به قابلیت طبیعی و ارزش‌های عمومی به کیفیت دولتی افزوده شد که مبنای طراحی پرسشنامه نهایی با ۴۶ متغیر محوری در جهت احصای عناصر راهبردی مدل قرار

گرفت و عوامل کیفیت زندگی در بخش کیفیت‌ها (فرهنگی، اجتماعی، اطلاعاتی، اقتصادی، طبیعی، دولتی، مدنی و خصوصی) شامل ۱۸ عامل شناسایی، و در پرسشنامه نهایی در بخش کمی اعتبارسنجی شد.

بعد از تعیین ساختار مدل و راهبرد کیفی، مدل مفهومی طراحی شد (بسط مفهومی) و به منظور اعتبارسنجی مدل توسعه هوشمند (تبیین تجربی) پرسشنامه به کار گرفته شد.

جدول ۶. تعریف‌های عملیاتی قابلیت‌ها

تعریف عملیاتی	قابلیت‌ها
قابلیت فرهنگی شامل دسترسی فرهنگی، تعاملات و مبادلات فرهنگی، اخلاق، عقلانیت، هویت اسلامی ایرانی و عدالت فرهنگی	قابلیت فرهنگی
قابلیت اجتماعی شامل؛ مشارکت، اعتماد، نظم، امنیت، وحدت و انسجام، آزادی مدنی و عدالت اجتماعی است.	قابلیت اجتماعی
قابلیت انسانی شامل رفاه فیزیکی، کسب دانش و مهارت، سلامت و بهداشت، توانمندی جنسیتی، کیفیت خوب و عدالت انسانی	قابلیت انسانی
قابلیت اقتصادی شامل اقتصاد دانش‌بنیان، شاخص فلاکت، تراز پرداخت‌ها، زیرساخت‌ها، درآمد سرانه، وابستگی اقتصادی، آزادی اقتصادی، فساد اقتصادی، کیفیت خوب و عدالت اقتصادی	قابلیت اقتصادی
قابلیت طبیعی شامل؛ حفظ زمین، حفظ جو، حفظ آب و حفظ تنوع زیست.	قابلیت طبیعی
قابلیت اطلاعاتی شامل زیرساخت‌های اطلاعاتی، دانش و مهارت، دسترسی همگانی	قابلیت اطلاعاتی
قابلیت بخش عمومی شامل حکمرانی شبکه‌ای که روابط بخشی چندگانه، روابط دولتی چندگانه و روابط سازمانی چندگانه است.	قابلیت بخش دولتی
قابلیت بخش خصوصی شامل رقابت و کارآفرینی	قابلیت بخش خصوصی

جدول ۷. متغیرهای محوری کیفیت زندگی

ردیف	کیفیت‌ها	متغیرهای محوری
۱	فرهنگی	پایداری بوم‌شناسی فرهنگی و احساس دینداری
۲	انسانی	استاندارد زندگی و کرامت انسانی
۳	اجتماعی	رفاه اجتماعی و کرامت اجتماعی
۴	اقتصادی	رفاه اقتصادی و اصالت منافع عمومی و رضایت الهی
۵	طبیعی	محیط زیست غنی
۶	اطلاعاتی	تولید دانش و تسهیل ارتباطات
۷	دولتی	ارزش‌های عمومی و منافع عمومی
۸	مدنی	توزیع عادلانه، خودیاری و آزادی کنش
۹	خصوصی	تولید ثروت

راهبرد کمی

این راهبرد متناظر با سؤال‌های ۲-۲ و ۲-۳ تحقیق است.

جامعه و نمونه آماری

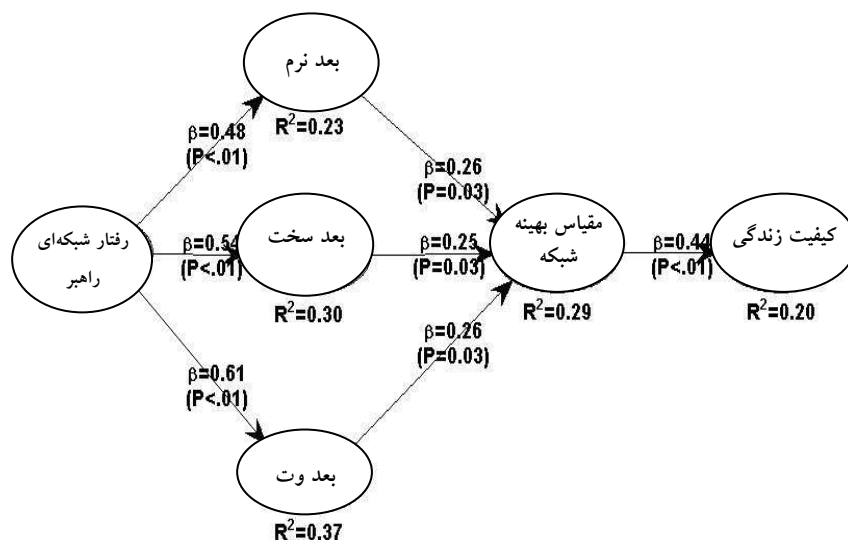
در این تحقیق نمونه‌گیری به روش هدفمند در راهبرد کیفی و کمی انجام گرفته است. برای سنجش روایی پرسشنامه مدل، ۳۰ نفر از نخبگان توسعه و در زمینه اعتبارسنجی مدل ۶۲ نفر مشارکت کردند.

مرحله اول: اعتبارسنجی مدل

با توجه به سؤال «آیا مدل یادشده در فضای توسعه‌ای کشور اعتبار دارد؟» و با در نظر گرفتن ملاحظات زمینه، فرایند و نتایجی که مدل توسعه هوشمند متعهد به تحقق آن است و با توجه به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری نتایج ذیل حاصل شده است.

در این سؤال اعتبار مدل بررسی و تعیین می‌شود. در این مدل، متغیر زمینه‌ای و فرایندی، نقش متغیر مستقل را ایفا می‌کند و کیفیت زندگی نیز متغیر وابسته تلقی می‌شود.

درباره متغیرهای اعتبارسنجی مدل، با تحلیل داده‌های پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده، مدل معادلات ساختاری طراحی شد (شکل ۳):



شکل ۳. روابط متغیرهای اعتبارسنجی مدل

در این مدل، ضرایب مسیر با ضریب بتا (β) مشخص شده‌اند. مقادیر احتمال (P -values) نیز ذیل هر ضریب مسیر درج شده است. از دیگر خروجی‌های نرم‌افزار که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، ضرایب تعیین است که ذیل هر متغیر مکنون درون‌زا درج شده است. این ضریب نشان‌دهنده درصدی از واریانس متغیر مکنون است که توسط متغیرهای مکنون اثرگذار بر آن توضیح داده می‌شود (Kock, 2011; 2012). بنابراین، برای همه متغیرهای درون‌زا، یعنی همه متغیرهای مدل، به جز رفتار شبکه‌ای راهبر که برون‌زاست، میزان ضریب تعیین مشخص شده است. در مجموع، در مدل نهایی هفت رابطه معنادار به دست آمد. در بررسی روابط متغیرهای اعتبارسنجی مدل، ضرایب مسیر و P -value برای هر یک از روابط محاسبه شده است. همه ضرایب مسیر بالاتر از ۰٫۲ است. و از آنجا که مقادیر احتمال کمتر از ۰٫۰۵ است، همه روابط معنی‌دار است.

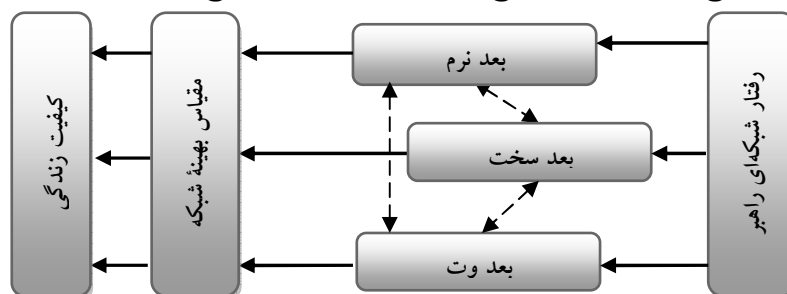
پس از شناسایی روابط معنادار در مدل، گام بعدی بررسی شاخص‌های نیکویی برازش است. بررسی این شاخص‌ها در جدول ۸ نشان می‌دهد مدل تحقیق به خوبی برازش شده و اعتبار کافی دارد.

جدول ۸. شاخص‌های برازندگی مدل

شاخص	مقدار	P-value
میانگین ضریب مسیر (APC)	۰٫۴۰۵	<۰٫۰۰۱
میانگین R^2 (ARS)	۰٫۲۷۶	<۰٫۰۰۱
میانگین عامل تورم واریانس (AVIF)	۱٫۱۶۷	---

علاوه بر این، در بحث همبستگی سازه‌های مدل، همبستگی بعد نرم و بعد سخت برابر با ۰٫۱۷۳ است که همبستگی ضعیفی است. همبستگی بعد نرم و بعد وت برابر با ۰٫۴۰۸، و همبستگی بعد سخت و بعد وت نیز برابر با ۰٫۳۳۷ است. بنابراین، بیشترین همبستگی بین بعد نرم و بعد وت است.

با توجه به نتایج، مدل نهایی استخراج شده در این پژوهش به شرح شکل ۴ است.



شکل ۴. مدل نهایی تحقیق

این مدل تبیین‌کننده عوامل مؤثر توسعه هوشمند بر کیفیت زندگی در ایران است.

مرحله دوم: اعتبارسنجی راهبردها

این مرحله به سؤال ۲-۳ اختصاص دارد که بیان می‌کند: «آیا راهبردهای یادشده در فضای توسعه‌ای کشور اعتبار دارد؟»

با توجه به نتایج بخش کیفی و آزمون روایی راهبردها، به تفکیک بخش قابلیت‌ها از خبرگان نظرخواهی شد که تأیید شد. عناصر راهبردی مدل در جدول ۹ درج شده است.

جدول ۹. راهبردهای مدل به تفکیک قابلیت‌ها

راهبردهای مدل به تفکیک قابلیت‌ها		
ارتقای عقلانیت فردی و عمومی	ارتقای تولید و ارائه کالاها و خدمات فرهنگی	قابلیت فرهنگی - ارزشی
ارتقای هویت دینی، ملی و انقلابی	گسترش ارتباطات و تجارت فرهنگی بین‌المللی	
گسترش فرصت و امکانات برابر فرهنگی	ارتقای اخلاق فردی و عمومی	
افزایش امنیت درونی و برونی	ارتقای مشارکت رسمی	قابلیت اجتماعی
ارتقای وحدت و انسجام مذهبی و ملی	ارتقای مشارکت غیررسمی	
گسترش فضای آزادی بیان	ارتقای آگاهی و شناخت	
گسترش فرصت‌ها و امکانات برابر اجتماعی	ارتقای اعتماد عمومی	
گسترش دسترسی همگانی به اطلاعات	افزایش سازماندهی اجتماعی	قابلیت اطلاعاتی
	ارتقای زیرساخت‌های اطلاعاتی	
	ارتقای دانش و مهارت اطلاعاتی	
حفاظت از تنوع زیستی	حفاظت از زمین	قابلیت طبیعی
ارتقای شناخت مناسب از استعدادها و محیط زیست	حفاظت از جو	
	حفاظت از آب	
کاهش وابستگی اقتصاد ملی	گسترش اقتصاد دانش‌بنیاد در همه زمینه‌های تولید، توزیع و مصرف	قابلیت اقتصادی
کاهش انحصارات دولتی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی	کاهش نرخ بیکاری و تثبیت قیمت‌ها	
پیشگیری و مبارزه با مفاسد اقتصادی	توسعه تجارت همکاری‌های اقتصادی راهبردی در زمینه بین‌الملل	
توجه به منفعت عمومی و رضایت الهی در فعالیت‌های اقتصادی	گسترش زیرساخت‌های ارتباطی	
بهبود توزیع درآمد به سمت افزایش درآمد دهک‌های پایین	افزایش رشد اقتصادی در همه زمینه‌های (صنعتی، کشاورزی و خدماتی)	
بهبود فرصت‌ها و امکانات اقتصادی برای همه	کاهش فقر انسانی	قابلیت انسانی
گسترش توانمندی جنسیتی	ارتقای دانش و مهارت‌های فردی و سازمانی	
ارتقای تقوا و عمل صالح در همه افراد	ارتقای سلامت و بهداشت جسمی و روانی در سطح فردی و عمومی	
گسترش امکانات و فرصت‌های برابر برای همه	ارتقای روابط بخشی چندگانه، روابط دولتی چندگانه و روابط سازمانی چندگانه است.	قابلیت دولتی
ایجاد و تقویت فضای کارآفرینی	ارتقای رقابت در تولید کالا و خدمات با کیفیت	قابلیت خصوصی
ایجاد و تقویت فضای کارآفرینی	ارتقای ظرفیت بخشی بودن بخش تعاون و بخش غیردولتی در کنار بخش دولتی و خصوصی	قابلیت جامعه مدنی
ایجاد و تقویت فضای کارآفرینی	عدم وابستگی به بخش دولت	

تبیین نتایج

مدل نهایی تبیین‌کننده ابعاد توسعه در سطح ملی است و قابل استفاده در فضای سیاستگذاری توسعه ملی است که نشان‌دهنده ابعادی از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ملی است که باید در فرایند توسعه مورد توجه جدی قرار گیرد. همان‌طور که گفته شد، این مدل بر ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ملی تأکید می‌کند و پارادایم توسعه‌ای آن درون‌زا است که در نتیجه آن بومی و خوداتکا است که از این نظر با فکر توسعه بدیل (یا توسعه دیگر) که توسط بنیاد «داگ هامرشولد» نیز مطرح شده؛ مطابقت دارد. (کلانتری و روشنفکر، ۱۳۸۶، ص ۱۷). در این راستا بر ویژگی‌های هویتی مدل تأکید شده است که با توجه به ارزش‌ها و بینش جامعه هدف (جامعه اسلامی - ایرانی) پیش‌فرض‌ها و متغیرهای محوری راهبردها تدوین شود، زیرا راهبران توسعه در کشورهای مختلف با به‌کارگیری مدل‌های توسعه، در عرصه جوامع عمل می‌کنند و این مدل‌ها مبتنی بر پیش‌فرض‌های جهت‌دهنده مدل است. این پیش‌فرض‌ها مبنای طراحی مدل قرار گرفت و بخش‌های مدل را تشکیل داد. برای مثال رویکرد معرفتی آن نگاه دیگر (یا توسعه ای دیگر) را فراسوی بعد مادی مبنایی طرح ریزی می‌داند که در تعیین متغیرهای محوری مدل تأثیرگذار بوده است و پس از انتخاب، در به‌کارگیری ویژگی‌های مدل اثرگذار است.

این مدل نسبت به پارادایم پیشرفت، در سطح ابزاری توسعه قرار می‌گیرد و بر مدیریت همه‌جانبه توسعه ملی با توجه به منابع، ظرفیت و قابلیت تأکید می‌کند و یکی از پیش‌فرض‌های برجسته این مدل رویکرد قابلیت است که با چند مورد از توصیف سن^۱ (۱۹۹۴) از قابلیت موافق و همراه است (سن، ۱۳۸۲، ص ۲۴)، مانند چندبعدی بودن؛ یا هر قابلیت مجموعه‌ای از قابلیت‌هاست، که ما آن را مجموعه‌ای از راهبردها می‌نامیم. اما رویکرد ما تفاوت‌هایی نیز با دیدگاه سن نیز دارد. اولین و مهم‌ترین آن سطح تحلیل است که سطح تحلیل سن از فرد شروع می‌شود و به جامعه می‌رسد، اما سطح تحلیل ما در رویکرد قابلیت ملی است. همچنین، بین ظرفیت و قابلیت

1. Sen

تفاوت قائلیم که ظرفیت وسیع تر و گاه نامحدود است. قابلیت‌ها بخش‌های مورد تأکید ظرفیت در جهت مطلوبیت پایدار جمعی است.

حوزه عملکرد این مدل بر قابلیت‌های اجتماعی، فرهنگی-ارزشی، انسانی، اطلاعاتی، طبیعی، اقتصادی، دولتی، خصوصی، و مدنی در قالب ابعاد نرم، سخت و وت تأکید می‌کند تا به همه ابعاد توسعه توجه جدی شود؛ همان‌طور که نظریه‌پردازان نهادگرا، و همچنین، آن گروه از نظریه‌پردازان که بر توسعه متوازن و هم‌فاز نیز تأکید می‌کنند، برای حداقل کردن مخاطرات توسعه نامتوازن تلاش‌های زیادی می‌کنند (مصلى نژاد، ۱۳۸۴، ص ۱۳-۱۲). منطق این همه‌جانبه‌گری همان منطقی است که در نظریه تحدید حدود سیستم‌های اجتماعی، توسط راموس بیان می‌شد با این تفاوت که در این پژوهش رویکرد قابلیت‌ی است و رویکرد وی به موضوع سرمایه‌ها بوده است و او با اعتراض به تسلط مفاهیم بازار بر ساختارها و کارکردهای جامعه خواستار این است که تسلط بازار بر کل جامعه نفی شود و بازار به عنوان بخشی از کل جامعه در نظر گرفته شود (Ventriss, 1990, pp.4-5) و در بازنگری مفهوم سرمایه نیز، سرمایه اقتصادی باید به عنوان بخشی از کل سرمایه موجود در سازمان و جامعه در نظر گرفته شود، نه به معنای کل سرمایه. این سرمایه‌ها عبارت‌اند از سرمایه طبیعی، سرمایه‌های مادی و مالی، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی (Robins, 2000, pp.144-153) و سرمایه فرهنگی (Jacobs, 2007).

گولت^۱ (۲۰۰۶) نیز در یک نگاه کلی، توسعه را گذر از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب به شکل همه‌جانبه می‌دید؛ یعنی توجه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و الگوی زندگی کامل که به نظام‌های محتوایی و هدف‌نهایی زندگی مربوط می‌شد که در این مدل نیز در قالب ابعاد سخت، نرم و وت با اضافه‌شدن قابلیت اطلاعاتی و انسانی علاوه بر ابعاد «گولت» رویکرد همه‌جانبه به توسعه منظور شده است (گولت، ۱۳۸۱، ص ۷۰-۶۹).

بعد وت مدل شامل قابلیت‌های دولتی، خصوصی و مدنی است که قابلیت‌های یادشده در

1. Goulte

الگوی حکمرانی خوب بانک جهانی (۱۹۸۹) و الگوی سه‌بخشی باتلر (۲۰۰۵) نیز لحاظ شده است. در بعد سخت، قابلیت‌های طبیعی قرار داده شده است. در پارادایم پایداری و نظریه توسعه پایدار توصیه اجلاس روتکس (۱۹۷۶) که توسط کارشناسان توسعه سازمان ملل تهیه شده است، در سلسله کنفرانس‌های محیط انسانی از استکهلم تا براتلند (۱۹۷۲) و بعد از براتلند، در نظریه حکمرانی پایدار و مدل سین از وینر (۲۰۰۰) و مدل کیپی از کلیمنز (۲۰۰۳) و نظریه پایداری ضعیف سلو (۱۹۸۶)، پایداری قوی هیدیگر (۲۰۰۰) و پایداری انعکاسی نیلسن (۲۰۱۰) اهتمام جدی شده است (زاهدی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴-۸۳; Byrch et al., 2007; Wiener, 2000, pp.26-52).

کانون توجه مدل ابعاد نرم است که چهار قابلیت اساسی از نه قابلیت مدل را تشکیل می‌دهد و ضمن آن به بعد سخت (دو قابلیت) و وت (سه قابلیت) نیز توجه شده است؛ یعنی منابع و ظرفیت‌ها نرم یا ناملموس در توسعه است و اگر توسعه را فرایند مدیریت منابع ملی تعریف کنیم، مانند گروه مؤلفان بانک جهانی (۲۰۰۰) در توسعه که ثروت کل جامعه را به سه دسته منابع تولیدی، منابع طبیعی و منابع غیرملموس تقسیم می‌کنند و توجه را به منابع غیرملموس سوق می‌دهند، این مدل نیز کانون توجه را به سوی منابع غیرملموس پیش می‌برد (گروه مؤلفان بانک جهانی، ۱۳۸۷).

دو رکن اصلی هر مدل توسعه‌ای اهداف و راهبردهای توسعه‌ای است که هدف مدل حاضر ارتقای کیفیت زندگی در سطح ملی است. متغیری که در سال‌های اخیر مورد توجه محققان سازمان بین‌المللی توسعه مانند برنامه توسعه ملل متحد (۱۹۹۴)، سازمان ملل و شورای توسعه فرامرزی (۱۹۹۶) بوده است.

مرجع توسعه در این مدل بومی‌سازی توسعه است، اما با توجه به فرایند دوقلوی بازننگری در مدل‌های توسعه در غرب از یک سو، و بومی‌سازی مدل‌های توسعه (توسعه دیگر) در کشورهای دیگر (اگر نگوئیم کمتر توسعه‌یافته یا توسعه‌نیافته) نقطه عزیمتی اساسی برای ظهور برداشتی عام و همگانی از توسعه را تشکیل می‌دهد و این خط فکری را می‌توان برحسب «تز، آنتی‌تز و سنتز» تشریح کرد که در نتیجه آن به عنوان تز می‌توان بخش تراوش جهانی نظریه غربی توسعه را به

متابۀ شکلی مدرن از استعمار فرهنگی در نظر بگیریم و تلاش‌هایی در جهت بومی‌سازی، آنتی‌تز را تشکیل می‌دهند. ما می‌توانیم راه سوم (سنتز) را عمومیت‌بخشی و همگانی‌سازی بناامیم (سیف، ۱۳۸۹، ص ۱۳) که در این راستا، مدل توسعه هوشمند نیز می‌تواند ظرفیت عمومیت‌بخشی نیز داشته باشد که باید در کشورهای دیگر نیز اعتبارسنجی شود تا مشخص شود از طریق فرایند رفتار شبکه‌ای می‌توان از کوتاه‌ترین مسیر و با کمترین هزینه، از عهده مسائل توسعه یکپارچه (همه ابعاد توسعه اعم از فرهنگی، اجتماعی، انسانی، طبیعی، انسانی و اقتصادی) جامعه هدف برآمد.

پیشنهادهایی برای محققان آتی

- روش در نظر گرفته شده در این تحقیق مرور ادبیات تحقیق است. توصیه می‌شود محققان بعدی، برای شناسایی عوامل، روش‌های دیگر مانند مصاحبه کیفی را نیز به کار گیرند.
- پیشنهاد می‌شود در زمینه قابلیت‌ها و کیفیت‌ها در ابعاد نرم و وت، تحقیقاتی در جوامعی با ویژگی‌های مختلف انجام گیرد تا پیشینه موضوع در این زمینه تقویت شود.
- همراه با مدل، ابزار سنجش با پایایی و روایی قابل قبول نیز طراحی شده است، لذا توصیه می‌شود مدل طراحی شده در دیگر جوامع آماری نیز به کار گرفته شود.

منابع و مأخذ

۱. ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی توسعه*. چاپ هفتم، تهران، نشر کیهان.
۲. باقریان، محمد (۱۳۸۲). *چالش‌های اساسی توسعه ملی و روندهای جهانی*. چاپ اول، تهران، ناشر سازمان مدیریت صنعتی.
۳. خانی، فضیله (۱۳۸۵). *جنسیت و توسعه*. تهران، چاپ اول، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۴. دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۶). *دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت استراتژیک*. ۲۲ و ۲۳ آبان، تهران.
۵. دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۷). *چالش‌های مدیریت دولتی در ایران*. تهران، انتشارات سمت.
۶. دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۸). «روش‌شناسی نظریه‌پردازی در مطالعات سازمان و مدیریت: پژوهش تطبیقی». *مدرس علوم انسانی - پژوهش‌های مدیریت در ایران*، دوره ۱۳، شماره ۴، صفحات ۱۹۱-۱۶۵.
۷. دانایی‌فرد، حسن؛ بابایی مجرد، حسین (۱۳۸۹). «روش‌شناسی نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی تأملی بر رویکرد اندیشمندان اسلامی». *معرفت فلسفی*، پاییز، ۸(۱) (پیاپی ۲۹)، صفحات ۱۶۴-۱۳۳.
۸. سن، آمارتیا (۱۳۸۲). *توسعه به مثابه آزادی*. چاپ اول، ترجمه وحید محمودی، تهران، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۹. سیف، اله‌مراد (۱۳۸۹)، «مفهوم‌سازی الگوی بومی توسعه جمهوری اسلامی ایران»، *فصل‌نامه مطالعات بسیج*، سال سیزدهم، شماره ۴۸، صفحات ۴۷-۵.
۱۰. کلانتری، عبدالحسین؛ روشنگر، پیام (۱۳۸۶). *رسانه، توسعه و سیاست‌گذاری رسانه‌ای*. تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های رادیو.
۱۱. گروه مؤلفان بانک جهانی (۱۳۸۷). *ثروت ملت‌ها کجاست*. ترجمه حسنعلی تقی‌تهرانی،

تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

۱۲. گولت، دنیس (۱۳۸۱). «توسعه، آفریننده و مخرب ارزش‌ها». *برنامه و توسعه*، شماره ۱۰، صفحات ۷۸ - ۶۳.

۱۳. لطیفی، میثم (۱۳۸۸). *بازپردازی مفهوم نظم و انضباط در سازمان (با تأکید بر رویکرد اسلامی)*. رساله دکتری مدیریت منابع انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده مدیریت و اقتصاد.

۱۴. مجموعه مقالات اسلام و توسعه (۱۳۸۲). *مجموعه مقالات همایش اسلام و توسعه*. چاپ اول، قم، تدوین پژوهشکده فرهنگ و معارف، دفتر نشر معارف.

۱۵. مصلی نژاد، غلامعباس (۱۳۸۴). *آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی در ایران*. تهران، قومس.

۱۶. منصوری، جواد (۱۳۷۴). *فرهنگ، استقلال و توسعه*. چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

17. Byrch, Christine; Kearins, K; Milne, M; Morgan, R. (2007). "Sustainable "what"? A cognitive approach to understanding sustainable development." *Qualitative Research in Accounting & Management*, 4(1), 26 - 52.
18. Esteva, Gustavo (1992). *Development*, in *The Development dictionary: a guide to knowledge as power*. Wolfgang Sachs, London, Zed Books.
19. Jacobs, C. (2007). *Community Capitals: Cultural Capital*, Community Leadership Development Extension Associate.
20. Kliksberg, Bernardo (2001). *Toward An Intelligent state*. "IOS Press & International Institute of Administrative Sciences & the United Nations."
21. Kock, N. (2011). "Using WarpPLS in e-collaboration studies: Descriptive statistics, settings, and key analysis results". *International journal of e-collaboration*, 7(2), 1-18.
22. Kock, N. (2012). *WarpPLS 3.0 User Manual*. Laredo, TX: Script Warp Systems.
23. *Oxford dictionary* (2002).
24. Robbins, D. (2000). *Pierre Bourdieu*. Volume I, London, Sage Publications.
25. Ulengin, B.; Ulengin, F.; Guvenc, U. (2001). "A multidimensional approach to urban quality of life: The case of Istanbul". *Operational Research*, 130(2), 361-374.
26. UNDP (2010). *Human Development Report*. 20th Anniversary Edition; Published for the United Nations Development Programme (UNDP).
27. Ventriss, C. (1990). *Organizational Theory and Structure: An Analysis of Three Perspectives*. Burlington, University Of Vermont Burlington.
28. Wiener, Jonathan (2000). *From Sustainable Development to Sustainable Governance*. Law School and Nicholas School of The environment, Duke University.
29. World Bank (2010). *World Development Report*. The International Bank for Reconstruction and Development / Washington DC.